



مجید حسینی

با مجید حسینی در میان مردم شهر مریوان

سیاسی ایران و گسترش و شدت گرفتن اعتراضات کارگران، جوانان، زنان، معلمان و عموم توده های مردم برای به گور سپردن جمهوری اسلامی و خلاصی از شر این رژیم است. مردم جمهوری اسلامی را نمی خواهند و آزادی و برابری، زندگی شاد و رفاه بدور از هر

این چندمین بار است که رهبران حزب در میان مردم شهرهای کردستان حضور علنی پیدا میکنند، این موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری از کجا سرچشمه میگیرد؟

مجید حسینی:

چند عامل این موقعیت ویژه را توضیح می دهد. یکی اوضاع

در رابطه با حضور رفقا مجید حسینی، عبدالله دارابی و یدی کریمی در شهر مریوان، ایسکرا پای صحبت این رفقا نشسته است. در این شماره با مجید حسینی گفت و شنودی داریم. در شماره های آتی ایسکرا، این سوالات و دیگر سوالات را با عبدالله دارابی و یدی کریمی در میان میگذاریم.

صفحه ۲

مسیر ناکامی قوم پرستان به بلوچستان رسید!

عبدالله شریفی صفحه ۶

"دریادار مدنی" دبیرکل جبهه ملی شد!

ایرج فرزاد صفحه ۴

پیام به معلمان سنندج! در گرامی داشت

یوسف اعتماد سنندجی

مظفر محمدی صفحه ۵

پیام محسن کریم عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق، بمناسبت حضور رهبران کمونیست در شهر مریوان

صفحه ۵

سایت کمیته کردستان

سایت ایسکرا راه اندازی شد

صفحه ۶

موقعیت کمونیسم کارگری در کردستان و چشم انداز دوره آتی

سخنرانی در نشست چهارم شورای

کادرهای تشکیلات کردستان

کارگری بود. به این ترتیب سال تشکیلات کردستان حزب هم بود. فعالیتهای ما به عنوان تشکیلات منطقه ای حزب، انتشاره با فعالیتهای سراسری حزب است. - سال موفقیت باری که گذشت، سال آن بخش از جنبش و حزب ما هم بود، که در شهرهای کردستان و در شرایط حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، جنبش و جریان ما را نمایندگی کردند. جای کادرها و فعالین این بخش به دلایل قابل فهم در این نشست خالیست، از جانب این نشست به همه آنها درود میفرستم. - در سال گذشته، پروژه رهبران کمونیست در سنندج را داشتیم. مظفر محمدی و بخشی از دست اندرکاران این پروژه در اینجا حضور دارند. در پایان این سخنرانی از آنها و همه همراهان دیگر این پروژه که در اینجا نیستند، قدردانی میکنیم. - همچنین پروژه دیدارها و ملاقاتهای حضوری نسبتا خوبی

صفحه ۳



رحمان حسین زاده

در سخنرانی افتتاحیه گفتم به مسائل گرهی ایندوره باید جواب دهیم. به سهم خود میکوشم به برخی از این مسائل پردازم و بر تغییراتی در کارمان انگشت بگذارم. و همین جنبه انتقادی نسبت به کار تاکنونی مان پیدا میکند. به خاطر اینکه ارزش فعالیتهای مهم یکسال گذشته را پاس داشته باشیم، اشاره ای به مهمترین محورهای دوره گذشته کارمان خواهم داشت. در کنگره ۴ گفته شد، سال گذشته، سال حزب کمونیست



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش

بازگرداندن اختیار

به انسان است.

منصور حکمت

ایسکرا

iraj_farzad@yahoo.com

سردبیر: ایرج فرزاد

فاکس: 00448701687574

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

چهارشنبه ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر - ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹

به وقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت:

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:

سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

با مجید حسینی

گونه تبعیض را می خواهند. زنان و جوانان یا پیش گذاشته اند تا نکت اسلام و سایه قوانین وحشیانه آنرا از سر خود بردارند و به چیزی کمتر از مدل زندگی و فرهنگ مدرن دنیای امروز هم نسل خود در غرب رضایت نمی دهند. اگر دوره اوایل پیدایش دو خرداد تشخیص این وضعیت سیاسی منحصر به حزب کمونیست کارگری ایران بود و یکی از تفاوت‌های ما با بقیه جریانات بورژوا ناسیونالیست بود، حال تشخیص این اوضاع تفاوتی آنچنانی را بین ما و آنها را توضیح نمی دهد و شرایط فرق کرده است. اکنون کل مداحان و معجز گوینان دیروزی دودخدادی و حتی جریانهایی از اپوزیسیون درون رژیم، بوی انقلاب و به صحنه آمدن مردم را شنیده اند و به آن واقفند. تلاش برای گمراه کردن مبارزات مردم و مانع تراشی جریانات ناسیونالیست کرد و دیگر جریانات ملی اسلامی از قبیل حزب دمکرات کردستان ایران، و کومه له جدید بعنوان یک جریان چپ ناسیونالیست، حزب توده، جبهه ملی، اکثریت و سلطنت طلبان و ... در مقابل انقلابی که در راه است، تفاوت آنها را با حزب کمونیست کارگری ایران که برای به پیروزی رساندن این انقلاب به همراه مردم و کسب قدرت سیاسی در ایران تلاش می کند، نشان می دهد. باند قوم پرست سازمان زحمتکش را که با پول و توطئه جلال طالبانی زاده شد و از طرق سرعت دستاوردها و تاریخ مبارزات ما کمونیستها در کردستان تلاش ناشیانه ای برای تحمیل خود به مردم و تکیه بر احساسات نژاد پرستانه کردی نفس می کشد، بعنوان پدیده جدید این دوران به دیگر جریانات ناسیونالیست کرد باید اضافه کرد.

عامل دوم، نفوذ توده ای و وسیع حزب کمونیست کارگری ایران است. جریانات ناسیونالیست کرد زیادی در منطقه هستند که نیرو و اردوگاه دارند و از همکاری و کلیه امکانات جریانات دیگر ناسیونالیست کرد عراق که اکنون در پناه آمریکا بر مردم حکم می رانند، بر خور دارند. ولی هیچکدام از این نیروها قادر به انجام رساندن پروژه های مشابه حزب کمونیست کارگری ایران و حضور رهبران سازمانشان در میان مردم شهرهای کردستان نیستند. مهمتر این است که حرفی جز آنچه جناحی از

رژیم اسلامی نمایندگیش را میکند و دفاع از سنتهای ارتجاعی و موجود برای مردم ندارند. این جریانات در انجام فعالیت سیاسی به نیروی مردم اتکا ندارند، از آن سو استفاده می کنند و طبیعی است که از فعالیت حزب کمونیست کارگری ایران و حضور رهبران آن در میان مردم که برای تقویت خواستهای آزادیخواهانه و تقویت هر چه بیشتر رادیکالیسم در اعتراضات آنها می کوشد، دل خوشی ندارند. تبلیغاتی که جریانات ناسیونالیست کرد بدنبال انجام هر پروژه حزب و حضور رهبران کمونیست در میان مردم علیه ما به راه می اندازند از اینجا ناشی می گردد.

در ماموریت سالهای قبل یکی از اعضای رهبری حزب به همراه واحدهای حفاظتی حزب به شهرهای کردستان می رفتند. اینبار سه نفر بودیم و خود این مسئله احتیاج به درجه بسیار بالایی از دقت در طرح برنامه و ارزیابی دقیق از جوانب مختلف این حرکت داشت. این حرکت نشان داد که حزب کمونیست کارگری هر برنامه ای را که در دستور بگذارند با درایت و کاردانی تمام آنرا به انجام میرسانند. حضور همزمان ما در میان مردم تاثیر زیادی در جهت بالا بردن روحیه اعتراضی مردم و سد کردن خرافات ناسیونالیستی و شیوه های آن داشت.

لازم اشاره کنم که وجود کادری شناخته شده و محبوب مردم که نزدیک به ۳۰ سال است از زمان سلطه نظام پهلوی تاکنون در شرایط مختلف همراه مردم بوده اند، عامل دیگری است که به انجام رساندن این پروژه ها کمک می کند. بقیه جریانات فاقد چنین کادری با نفوذ و شناخته شده هستند.

شما در این دیدارها، هر بار با جوانب تازه تری در مناسبات بین حزب و مردم روبرو شده اید، از نظر شما این بار و در جریان حضورتان در آستانه سال نو در میان مردم میروان، چه نکاتی جلب توجه کرد؟

مجید حسینی: ما سال نو را به همراه همه مردم ایران در میروان جشن گرفتیم. نفس شادی مردم برای رژیمی که چشم دیدن آنرا ندارد اقدامی بود در مقابل رژیم و زیر پا گذاشتن قوانین اسلامی آن. اینجا از فرصت استفاده میکنم

و بار دیگر سال نو را به همه مردم در ایران تبریک می گویم و امیدوارم امسال سال پیروزی ما باشد.

روحیه تعرضی مردم در مقابل جمهوری اسلامی، گسترش و شدت یافتن این روحیه مبارزاتی به نسبت سالهای قبل بسیار زیاد بود و از نکات برجسته ای بود که ما مشاهده کردیم. این اولین بار نبود که از رهبری حزب، کسانی در میان مردم شهرهای ایران حضور یافتیم، هر بار به نسبت دفعه قبل شاهد بالاتر رفتن این روحیه اعتراضی بوده ایم. در برابر این روحیه مردم، رژیم دست به عصا حرکت می کند و هر جا احساس کند مردم به اعتراض عمومی دست می زنند، تمام سعی خودش را می کند که بدون درگیری با مردم مسئله را فیصله دهد تا کنترل اوضاع از دستش خارج نگردد. در کردستان علاوه بر توده مردم، رژیم احزاب مسلح را در برابر خود دارد و این مسئله نوعی تعادل و عقب نشینی را در رابطه با اعتراضات مردم بر رژیم تحمیل کرده است که باید از آن کمال بهره را در جهت گسترش و دامن زدن به مبارزات مردم و بلند کردن شعارهای برابری طلبانه برد. رژیم از فشار آوردن و سرکوب شدید حرکات توده ای مردم در کردستان تا جایی که مقنور باشد پرهیز می کند، تا در مقابل مردم مسلح و سازمانهای مسلح قرار نگیرد.

بالاتر رفتن توقع مردم از حزب کمونیست کارگری ایران و کادریهای آن به نسبت سالهای قبل بسیار بالاتر رفته بود و مردم دخالت هر چه بیشتر حزب را در مسائل سیاسی و شدت دادن به فعالیتها آن را خواستار بودند و از احوال و سلامت کادریهای حزب را می پرسیدند.

انتظارات اقشار مختلف مردم، و توقعاتشان را از حزب چگونه دیدید؟

مجید حسینی: همانطوریکه گفتم انتظار و توقع از حزب بسیار بالا رفته بود و در رابطه با عرصه های مختلف فعالیت حزب و جوانب مختلف آن اظهار نظر می کردند، انتقادات و پیشنهادات خود را می دادند و خود را در کمبود و نقاط قوت حزب شریک و دخیل می دانستند. اینجا با چند مثل می خواهم نوع و میزان توقع مردم را نشان بدهم. از دو هفته قبل از روز سال نو در شهر میروان شایع شده بود که

برای جشن سر سال، حزب کمونیست کارگری می خواهد به شهر بیاید. رژیم نیروی ویژه به میروان آورده بود و دو روز قبل از سال نو در شهر به مانور دست زده بود. هیچ کسی از برنامه و ماموریت ما اطلاعی نداشت و این شایعه، توقع و انتظار مردم از حزب کمونیست کارگری ایران را در میان مردم نشان می دهد. اینکه مردم در هنگام شادی و مبارزه خود به یاد حزب و ضرورت حضور و وجود آن در پناه خودشان می افتند، ضرورت نقش حزب را در تاثیر گذاری بر مبارزات مردم و هدایت مبارزه آنها، به خوبی نشان می دهد. استقبال گرم مردم از ما انعکاسی از خواست مردم برای دخالت فعالانه تر حزب و نفوذ آنرا نشان می داد.

نمونه جالب دیگر: در زمان حضور ما در محله تازه آباد، مردی روسری همسرش را برداشت دست در گردن همسرش گذاشت و او را بوسید. این حرکت در عین اینکه بیان برنامه حزب در رابطه با برچیدن هر نوع آپارتاید جنسی و ستم بر زنان بود، یاد آور حجاب سوزان شهرهای سنندج و تهران ... بود.

مردم بیشتر بر ضرورت حضور ما به عنوان نیروی کمونیست برای مقابله با سیاستهای ناسیونالیستی تاکید می کردند. می گفتند این دوره و این روزها برای اثر گذاری بر افکار و شکل دادن به ذهنیت اعتراضی توده های مردم از اهمیت زیادی بر خور دار است و باید با تمامی شیوه ها و با تمام ابزارهای موجود، حزب فعالیت خود را شدت دهد.

فکر میکنید که حزب و کمیته کردستان حزب چه اقدامات دیگری را باید در دستور کار خود بگذارد، تا هم به اهداف و نقشه عملهای خود نزدیک شود و هم حزب را بعنوان یک نیروی دخیل در تحولات جاری در ابعاد وسیعتری مطرح کند؟

مجید حسینی: حضور رهبران کمونیست در میان مردم گوشه ای از فعالیت حزب کمونیست کارگری ایران است. حزب باید این جنبه از فعالیت خود را ادامه دهد. اما اوضاع و احوال سیاسی و توقعات به جای مردم از حزب و ضرورت تشدید فعالیت حزب برای رهبری انقلاب و کسب قدرت سیاسی در ایران، از ما می طلبد که اینگونه فعالیتها را تکامل دهیم و در اشکال بسیار متنوعی گسترش و ادامه یابد. یک عرصه از فعالیت حزب تلاش

برای ایجاد تشکلهای توده ای و متحد کردن مبارزات مردم و داشتن نقشه و برنامه برای آن است، دخالت و اقدامات مستقیم خود حزب در هر جا و در هر زمان که لازم بداند و در جهت تقویت مبارزات کارگران، جوانان، زنان و مردم طبق برنامه های دقیق رهبری به اجرا در خواهد آمد. در این دوره علاوه بر کار و فعالیت روتین حزبی، کمیته کردستان باید بطور جدی به فکر خنثی کردن تزریق مسموم ناسیونالیستی، که به ضرب اسلحه و نیروی مسلح احزاب ناسیونالیست انجام خواهد شد باشد. مردم و حزب باید آگاه باشند و بدانند که علیرغم اینکه ما مخالف نظامی کردن فضای سیاسی جامعه هستیم و فکر میکنیم مردم در شرایط ابراز وجود خود، میتوانند دستاوردهای خود را حفظ و تکامل دهند، اما نباید از تکیه جریانات ناسیونالیست به نیروی مسلح خود برای تحمیل گرایشات عقب مانده و ناسیونالیستی غافل ماند. حزب باید با دقت و احساس مسئولیت در این زمینه برنامه و نقشه عمل دقیق داشته باشد. ما در گذشته قلدریهای حزب دمکرات و نیز نیروهای مرتجع و مسلح علیه مردم و کمونیستها را دیده ایم و تجربه داریم که اگر یک ما بعنوان آزادیخواهان و مدافع منافع مردم نیروی بازدارنده را نداشتیم، چه لطماتی به جامعه وارد میشد. مورد سلطه جریانات ناسیونالیست کردستان عراق به کمک نیروی مسلح پیشمرگ عشایری خود نیز در برابر چشمان ماست.

بحث تشکیل گارد سرخ و یا نیروی شهری از این نوع، در این رابطه مطرح شده است.

چه پیامی برای مردمی که دلسوزانه و مسئولانه این دیدار را ممکن ساختند، دارید؟

مجید حسینی: شکی نیست که بدون کمک های بی دریغ مردم انجام موفقیت آمیز این پروژه ما به این نتیجه مطلوب نمی رسید. جمع بسیار زیادی از اعضا و کادریهای حزب، از دوستاناران حزب و از مردم در این برنامه نقش داشتند و ضمن تشکر و قدر دانی از تک تک این عزیزان برایشان آروزی سلامتی و موفقیت دارم. باید بدانند که آنان هیچگاه فراموش نمی شوند. رویشان را می بوسم.

موقیعت کمونیسیم کارگری

(ادامه از صفحه ۱)

با فعالین زیادی از شهرها را داشتیم.

- دستیابی به نشریات و ادبیات حزب شکل جدیدتر و منظم‌تری پیدا کرد.

- عکس‌العمل به موقع سیاسی در قبال رویدادها را داشتیم. اطلاعاتیها و بیانیه‌های کمیته و دبیر کمیته و شخصیت‌های حزب در کردستان، در افتادن با بعضی پروژه‌های ارتجاعی و بخشا ناکام کرن آنها از جمله کارها بود.

- نشریه ایسکرا و رادیوی کمیته کردستان و تضمین کارهای روتین از دیگر اقدامات ما بود.

اینها محوره‌های اصلی کار بود. تشکیلات کردستان در مجموع تشکیلات فعال و سرزنده‌ای بود. نمیخواهم وارد موارد بیشتر اقداماتمان بشوم. همین تصویری را به دست میدهد.

به نظر من و با توجه به توانایی بالقوه تشکیلات کردستان، این فعالیتها برای یکسال گذشته کافی نبود. فرصه‌هایی از دست رفت. از جمله پروژه "رهبران کمونیست در میان مردم" بیشتری را میتوانستیم داشته باشیم. دیدارها و ملاقاتهای حضوری روتین هر هفته و منظم را داشته باشیم. میتوانستیم بسیار تاثیرگذارتر باشیم. در فاصله بیست خرداد تا ۱۸ تیر

تشکیلات کردستان خوب نجیبید. میشد رهبران حزب و شخصیت‌های حزب در کردستان بسیار بیشتر با مبارزات مردم و رویدادها عجین شوند. برای مثال ما چهره‌های شناخته شده و محبوبی از هر شهر کردستان داریم. در جریان مضحکه انتخاباتی رژیم میشد کاری کنیم هر کدام از آنها به عنوان آئرناتیو و مظهر "نه" مردم در مقابل رژیم و کاندیداهای مزدور آن مرح شوند. میشد موقیعت توده‌ای محکمتری را به دست آوریم. در این زمینه یک سنت کار منصور حکمت، در دسترس قرار دادن رهبران و شخصیت‌های کمونیست و لانسسه کردن و متصل کردن آنها با مبارزات

بسیار متفاوت از گذشته است. - سرنگونی خواهی ما را طلبید و ساقط کردن این رژیم ما را میطلبید.

- نسل جوان، زندگی و شادی و حال و آینده و امیدش ما را میطلبید.

- کارگر و مطالباتش، گشایش در زندگی و بهبود و پایان استثمار و رهاییش ما را میطلبید.

- زن و پایان تبعیض و تحقیر و جنبش آنها ما را میطلبید. - کودک و حقوق کودکان، شکوفایی و خلاقیت و پیشرویشان ما را میطلبید.

- مدرنیسم جامعه، جاری کردن بالاترین سطح دستاوردهای بشر امروز در آن جامعه ما را میطلبید.

- مذهب زدایی و ریشه کن کردن اعتیاد و حفظ حرمت و بازیابی شخصیت معتادین ما را میطلبید.

- تن‌فروشان، رهایی از اجبار اقتصادی و حفظ حرمت و کرامتشان و بسپاری ناهنجاریهای دیگر اجتماعی که نظم موجود روزانه بازتولیدش میکند، کمونیسیم کارگری را میطلبید.

اینها تحولات نون آن جامعه‌اند. انگشت گذاشتن روی آنها، یعنی بسیج و به تکان درآوردن آن جامعه. مسائل گرهی جامعه با کیفیت جدید و جوایهای جدیدی که طلب میکند. این روندها در مقابل جمهوری اسلامی و وضع موجود شکل گرفته‌اند. از طرف دیگر ناسیونالیسم کرد، بیگانه با این روندها و در بخش عمده در ضدیت با این روندها و مدافع وضع موجود با تامین منافع طبقاتی خودش است.

روندهای مورد اشاره خودیخودی اتفاق نیفتاده‌اند. در بعد سیاسی و اجتماعی کمونیسیمی هست که پایای تحول جامعه بر آن تاثیر گذاشته و از آن تاثیر گرفته است. اینجاست به محور دوم و مهمتر که سرمایه اصلی و ابزار موثر ما برای تغییر اوضاع است، میرسیسم، کمونیسیمی عمیقا تحول یافته و تحزب یافته، که هیچ شباهتی به چپ ۲۵ سال قبل ندارد.

اکنون کمونیسیمی شکل گرفته با چهره سیاسی و آرایش بسیار

متفاوت از گذشته خود ما، متفاوت‌تر از دوره کومهله و حزب کمونیست ایران، متفاوت‌تر از دوران اولیه شکل دادن به خودش. کمونیسیمی که نقطه‌عطفها و تندپچه‌های متعدد اجتماعی و سیاسی و سازمانی را از سرگذرانده و همه اینها را به همت و تحت اتوریته رهبری منصور حکمت از سرگذرانده و به اینجا رسیده است. وقتی الان برمیگردی و به بیست دو سه سال قبل، به دوره پیوند خوردن ما با مارکسیسم انقلابی و کمونیسیم کارگری منصور حکمت مینگری حقیقتا اساسا یک وجه مشترک را در آن دوره پیدا میکنی. آن دوره در کردستان ما چپ و کمونیسیمی بودیم (با هر تعبیری که از کمونیسیم داشتیم) خیره شده به قدرت و ما و جریانی که در آن متشکل بودیم (کومهله) نیروی معادله قدرت در جامعه بودیم. به نظر منصور حکمت اساسا این را دید و بر آن سرمایه‌گذاری کرد. در غیر اینصورت چپ آن دوره کردستان در سطح افکار و تئوری و نظری به شدت عقب‌مانده و پوپولیست، در سطح استنتاج سیاسی راست و اهل تمکین به مذهب و عقب ماندگی و توده‌ها، نا آشنا به معضلات واقعی کارگر و جنبش کارگری، محدود شده به عرصه نظامی و میبارید، چپی مردسالار در برخورد به زن، شرق زده و غیر مدرن و بیگانه با الزامات جامعه شهری. این چپ تغییر

داده شد. کمونیسیم منصور حکمت و شخص منصور حکمت مستمرا و در دو دهه گذشته، با نقدش، با آئرناتیوهایش، با افق و کمونیسیم شفافش، با صمیمیت و دلسوزیهایش این چپ را تغییر و صیقل داد و حاصلش چیزی است که امروز می‌بینیم. بعضی وقتها یک تصور غلط با دو استنتاج به همان درجه غلط در میان خود ما جا پیدا میکند. این تصور هست که گویا کمونیسیم کارگری و کمونیسیم امروز ما در کردستان، ادامه رادیکال شده همان چپ مقطع ۵۷ و ۵۸ و ... است. ادامه رادیکال شده، کومهله و

حزب کمونیست ایران است. و اولین استنتاج غلط آنجا ست که فکر میشود، تشکیلات حزب در کردستان با اتکا به همان تجربه گذشته و مقداری رادیکال شده، یعنی با همان تجربه سنتی مقداری رادیکال شده، دارد جواب سنتی مقداری تعدیل یافته را به مسائل امروز میدهد و طبعاً از آن ناراضی است و استنتاج غلط دوم آنجاست که این تصویر را بپذیرد و فکر کند با همان سابقه و تجربه سنتی گذشته جوابگویی مسائل امروز است و به این راضی است. تصویری که گفتم و هر دو نتیجه گیری غلط منتج از آن، عمق تحول این چپ و این کمونیسیم را نفهمیده است.

چون متوجه نیستند، یک وجه مهم کمونیسیم کارگری شکل گرفته در کردستان، نه ادامه رادیکالیزه شده چپ سنتی کردستان، نه ادامه رادیکال شده کومهله و حزب کمونیست ایران، بلکه در نقد آن چپ و نقد کومهله و حزب کمونیست ایران سر برآورده است. کمونیسیم کارگری شکل گرفته در کردستان به همت و با هدایت منصور حکمت حاصل نقد بی‌امان ناسیونالیسم، حاصل نقد بی‌امان نظامیگری، حاصل نقد تمکین به توده‌ها و مذهب، حاصل نقد مردسالاری و شرق زدگی، حاصل نقد پراتیک طبقات دیگر، حاصل بی‌برنامگی و بی‌نقشهای در فعالیت هدفمند سیاسی، حاصل نقد غیر دخالتگری و در حاشیه ماندن و نهایتا حاصل نقد آن کمونیسیمی است که از گرفتن قدرت به نیروی حزب خود دوری میکند. خلاصه کنم کمونیسیم کارگری شکل گرفته که تجسم آن در کردستان را بخشا در همین نشست می‌بینیم، کمونیسیمی شکل گرفته بر بنیادی دیگر، افقی‌دیگر و سیاست و توقعات دیگری است. به این دلایل خوش‌بینم که جامعه‌های نون و با کمونیسیمی جدید و حزب و سیاستی منطبق با این جامعه و جوابگویی دوره حاضر را داریم. در این چارچوب، تجارب با ارزش گذشته را قطعاً به دست می‌گیریم.



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

"دریادار مدنی" دیرکل جبهه ملی شد!



ایرج فرزاد

این روزها سالروز به فراندوم گذاشتن جمهوری اسلامی، با این توصیه و رای از پیشی خمینی است: "جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد!"

از آن تاریخ و تعیین اسلامیت حکومت ۲۵ سال تمام میگذرد. این ۲۵ سال را رژیم اسلامی فقط با نسل کشی، لعنت آبادها، بلشویک آبادها و خاوران و دهها گور و قبر بی نام و نشان، آپارتاید جنسی، برپائی مدام مجازات شنیع اعدام توانسته است تاکنون حکومت کند. و برنامه ریزان و مجریان اسلامی کردن حکومت و پاشیدن خون به خیزشی که مردم ایران علیه رژیم شاه به آن دست زدند، اکثرا هنوز زنده اند، دست اندر کارند، وکیل و نماینده دوره های مختلف مجلس اسلامی و در مقام روسای دادگاههای بیرحمی اسلامی صاحب مکتب و نور چشم امام خود را و جنایاتشان را ثبت

کرده اند. برخی با خطر فروپاشی رژیم جانپان اسلامی، رفتند دکتر و مهندس و جامعه شناس هم شدند و به این وسیله خواستند پرونده جنایاتشان را در دوره های وحشت و ترور خونین خرداد ۶۰ و شهریور ۶۷ از انظار بیوشانند. این بالماسکه جنایتکاران فقط یاران همیشگی و شیفتگان انقلاب اسلامی، طیف توده- اکثریت و مغضوبین رده های مختلف در طیف ملی اسلامی را تسکین و دلداری داد. جبهه ملی که جناب دریادار مدنی را به سمت دیرکلی خود برگزیده است، غافل از پیوند دیرین رهبر فقید، مرحوم مصدق سلطنت طلب با استادان و آیات عظام همین سران رژیم اسلامی،

موجودات مرتجعی چون کاشانی، و در توهم به اینکه آقایان سران جبهه ملی از جمله مرحوم سنجابی، از اولین "شخصیتهای" ملی بودند که از همان پاریس با امام جنایتکاران "بیعت" کردند و همین جناب دریادار برای رژیم اسلامی خون ریخت و جنایت کرد، فکر میکنند میتوانند با مبارزه و خیز برداشتن مردم ایران برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی خواهند توانست همان بلا را این بار با تکیه بر عرق ملی و زدن رنگ ملی بر سر جامعه ایران باورند. چنین سناریویی اعلام نشده شکست خورده است، جامعه ایران نه اسلامی است و نه دل در سودای میراثهای ۲۵۰۰ ساله ملیون دارد. رونویسی از سناریوهای پرتاب شدن به قدرت از روی میراث کثیف اسلامپون را ما، مردم ایران، کارگران، جوانان و زنان عقیم میگذاریم.

مردم ایران این بار سکان رهبری و اداره جامعه خود را پس از به گور سپردن حکومت مشتی جانی اسلامی خود راسا و به اتکا و پشتگرمی حزب کمونیست کارگری به عهده خواهند گرفت. هنوز به مراحل اولیه سناریو نویسیهای خود نرسیده اند، که شکاف ناشی از قدرت طلبی و ناتوانی در حتی حفظ صفوف درهم ریخته ملیون، و بیگانگی اینها با کمترین آرزوها و انتظارات مردم، از صف اینها، یک صحنه کمدی ساخته است. وهم و خیال تکرار یکه تازی اسلامی- ملیون در صحنه سیاست جامعه ایران را به دنیای فرتوت و سنت های ارتجاعی و محافظل بازنشستگان سیاستمداران دوران اشرافیت فئودالی و "دولتمداران" امتحان پس داده واگذار میکنیم.

* * *

◀ موقیعت کمونیسم کارگری

در آستانه انقلابی دیگر و سرنگونی جمهوری اسلامی حزب سراسری بزرگ، جامعه شهری تحول یافته به نفع ما، نیروی کمونیستی پخته، اجتماعی و دخیل که انواع تندپنجه را از سرگذرانده است. این دادهها به اضافه اوضاع مساعد کنونی، که جمهوری اسلامی به عقب رانده شده و تناسب قوای مساعد به نفع مبارزه جویی مردم بوجود آمده و اینکه دوره تعیین تکلیف بر سر قدرت به وسط صحنه پرتاب شده است. این فاکتورها چارچوب وظایف دورهای مارا تعیین میکنند.

چه باید کرد؟

در ایندوره نقطهعزیمت میتواند این باشد که حول همین تعیین تکلیف قدرت، جایجایی نیرو و تغییر تناسب قوای هر روزه به نفع جنبش آزادیخواهی و برابری باسیاست و پراتیک خودمان جامعه را قطبی کرده و تکان دهیم. بر گرهیترین مسائل جامعه انگشت بگذاریم و بسیج و متحد و متشکل کنیم. حول سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی و برابری بزرگترین اعتراضات توده ای و بسیج

که به آن می پیوندد.

- حزب مبتکر اتحاد و تشکل، حزبی که مبتکر جنبش مجمع عمومی و شورایی و انواع کانونها و تشکلهای توده ای است. - حزبی که حول آزادی زن، مذهب زدایی، و حقوق جهانشمول انسان بزرگترین بسیجها را میکند و بخشهای معترض جامعه را به هم میبافد. - حزبی که رهبران و شخصیتهای آن در دسترسند. به سخنگوی اعتراض مردم در زمینه های مختلف و در بخشهای مختلف جامعه تبدیل شده اند. - حزبی که آمادگی کنترل اوضاع را در شرایط اضطراری دارد. و رهبری چنین حزبی این ملزومات سیاسی و عملی را فراهم میکند که مقطع تعیین قیام علیه جمهوری اسلامی و کنترل اوضاع را به وجود آورد. اگر چنین کنیم یعنی همه تلاشمان را بکار گرفتیم تا برچیدن جمهوری اسلامی را ممکن کنیم. اگر ابتکار برچیدن جمهوری اسلامی در کردستان، و یا در مناطق و شهرهای عمده ای در دست ما باشد، یعنی نه تنها جمهوری اسلامی را در کردستان بلکه در سراسر ایران به سراشیبی رانده ایم. و اگر این ابتکار دست ما باشد، ناسیونالیسم را هم به طور جدی

حاشیه ای کرده ایم. در خاتمه مبحث را در چند محور جمع بندی میکنم: تشکیلات کردستان در چند ماه و یکسال آینده، ضروریست پراتیک سیاسی و اجتماعی را سازمان دهیم و از خود نشان دهیم که - حزب لایتجزای مبارزات اجتماعی و توده ای جاری و الهام بخش و هدایتگر آن باشیم. - حزب دخالتگر در هر شهر و محله و محیط کار و دانشگاه و مدرسه - حزبی با قدرت نظامی قوی - حزب مبتکر مجمع عمومی و شورا و ایجاد سازمانهای توده ای - حزب مبتکر سرنگون کردن جمهوری اسلامی، حزب کنترل کننده اوضاع و حزب اعلام قدرت و حاکمیت مستقیم مردم. حزبی که حاکمیت شورایی مردم را تضمین میکند. در یک کلام حزبی سیاسی و اجتماعی چشم دوخته به تصرف قدرت. کلید رسیدن به چنین موقعیتی قبل از همه تصمیم و نقشه روشن رهبری حزب و رهبری تشکیلات کردستان حزب است. به نظرم این دوره یک تغییر اساسی در نحوه رهبری، نقشهها و ابزارهای آن را میطلبد. علاوه بر آن نقش طیف وسیعی از کادرهای پخته در بخش علنی

حزب و در شهرها در راستای به سرانجام رساندن جدال قدرت در جامعه به نفع خودمان بسیار تعیین کننده است. بویژه هم تصویر کردن کادرها و فعالین جنبشهای اعتراضی رادیکال و کادرهای کمونیست کارگری مستقر در شهرها با این جهت گیری و پلانفرم از اقدامات حیاتی و مهمی است که سرعت آن را باید عملی کرد. طبعاً ابراز وجود علنی و اجتماعی کادرها و فعالین رادیکال و کمونیست جنبشها و مبارزات جاری که حمید تقوایی در صحبتهایش بر آن تاکید کرد، بسیار مهم است و باید به آن توجه جدی کرد. اینکه اقدامات مشخص چیست؟ دستورالعملها و اولویتهای عملی کدامند؟ تا آنجا به تشکیلات کردستان مربوط است. اینها را باید به جلسات تصمیم گیری کمیته کردستان و هیئت اجرایی آن سپرد. از نظر من اتخاذ جهت گیری که از آن صحبت کردم معنای عملی بخشیدن به حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه و سازماندهی انقلاب در این دوره است. امیدوارم نشست شورا به این سمت سوق پیدا کند.

● ● ●

پیام محسن کریم عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق، بمناسبت حضور رهبران کمونیست در شهر مریوان

رفقای عزیز، مجید حسینی و عبدالله دارابی و یدی کریمی خبر بازگشت موفقیت آمیز حضور شما در شهر مریوان را از سایت روزنه خواندم. این حرکت عظیم را قلباً به شما، به احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق، به کمیته کردستان حزب و به مردم مبارز شهر مریوان تبریک میگویم.

مردم چشم براه شهر مریوان همراه شما رهبران کمونیست، همراه رهبران محبوب خود، نوروز امسال را جشن گرفتند. اما شادی این اتفاق بزرگ، به مریوان محدود نماند و قلب ما کمونیستها و مردم آزادیخواه را نیز ملامت شادی کرد. با این حرکت شما و استقبال بی نظیر مردم مریوان، این مردم پیام سرنگونی رژیم اسلامی را به جهان دادند. صدای جنبش انقلابی برای جارو کردن نظام اسلامی این بار از شهر مریوان طنین انداز شد.

قطعا درایت و کاردانی حزب کمونیست کارگری، حزب منصور حکمت، با تداوم این نوع از کارهای بزرگ، پیامی دیگری را در خود مستتر دارد و آن این است که سرنگونی رژیم اسلامی اولین قدم تغییر مثبت در اوضاع خاورمیانه خواهد بود. نزدیک شدن حزب کمونیست کارگری به قلمرو قدرت سیاسی در ایران، بزرگترین امید به پایان دوزخی است که بر مردم عراق تحمیل کرده اند.

رفقا دستتان از دور میفشارم و برایتان آرزوی موفقیت میکنم.

۲۷ مارس ۲۰۰۴ محسن کریم

مسیر ناکامی قوم پرستان

(ادامه از صفحه ۶)

ناسیونالیسم کرد کسی را خانه نشین نکرد. انقلاب فرهنگی، اسلامی - کردی، و کل این جبهه کسی را تخدیر نکرد. همقطاران این جماعت در مجلس اسلامی بارها از طرف مردم شهرهای کردستان هو شدند. کردایتی صادراتی "مام" جلال مبارزه ای را قیچی نکرد. واقعا فدرالیسم و فدرالیستی اقام کرد و ایرانی، بد جوری در تنگنا قرار گرفته اند. امیدواری به سناریوی سیاه، خیال پردازی به حربه قوم و زبان برای گمارده شدن در درگاه کروز بدستان و ششلول بندان آمریکا، از شور بختیشان روز بروز با گسترش مبارزه مردم بی افق تر میشود. اینها فکر میکنند که اگر حربه مذهب، خمینی و دارودسته آدمکش اسلامی را به جلو صحنه آورد و بر سرنوشت مردم فرود آورد، چرا نشود این بار شانس حربه قوم و قوم پرستی را برای ادای همان نقشامتحان کنند. اینها دارند رویای تباهی و استیصال جامعه را به آرزوی خود مبدل میکنند. اینها اقبال صعود خود را در انهدام جامعه و فروپاشی مدنیت و جنگهای قومی میبینند. حقارت و

بیچارگی این جماعت حد ندارد، چون بعید به نظر میرسد حتی در سیاهترین شرایط، این رویاها متحقق شود. امیال این قماش جماعت، هنوز که هنوز است در عراق کنار دستشان با بی اعتنائی اربابانشان روبرو است. این حماقت و عقب ماندگی ذهنی روستایی ناسیونالیستها مسخره است. اسلام سیاسی در شرایط دیگر مطلوبیت یافت در متن جنگ سرد در تقابل انقلابی که بی سر و رهبر نامتشکل و خود جوش بود، به جلو رانده شد. تکرار آن سناریو در انقلاب آتی ایران بنا به دلایل معلوم ممکن نیست. فدرالیسم قومی دیگر در بورس قدرتهای غربی نیست. این مشکل، تنها قره نوکران آمریکا نیست، بلکه مشکل اربابان کروز بدستان نیز هست. مردم با تداوم مبارزه خود با ساقط کردن نظام اسلامی، باشکل دادند به تحولات بنیادی، میتوانند و باید تکرار تاریخ را که با عوض شدن از حربه اسلام به قوم و قبیله سد کنند.

۲۸ مارس ۲۰۰۴

خودکشی یک معلم، یک انسان، واقعه تکان دهنده ای است که دلها را به درد میآورد. باید به چاره جویی این وضع پرداخت. رژیمی که بیش از دو دهه فقر و فلاکت و خفت و خواری به نام زندگی به ما تحمیل کرده است، آخرین نفسهای کثیفش را میکشد. این دمل چرکین و این سرطان جامعه بشری را باید برداشت، این رژیم را باید به زیر کشید. باید زندگی شایسته انسان را بدست آورد و این کار ممکن است. اعتصاب سراسری شما معلمان پیغام این زندگی نوین است. دوستان!

خانواده یوسف عزیز به حمایت شما احتیاج دارد. بهترین دلداری از آنها، گردهمایی بزرگ شما و خانواده‌هایتان بر مزار این انسان شریف و ادای احترام به او حضور در منزل و در کنار خانواده اوست. با این کارتان به رژیم میگویید که دیگر اجازه نمیدهید هیچ همکاری، هیچ انسانی، از فقر و از تهدیدات شما به خودکشی پناه ببرد.

اعتصاب سراسری و شکوهمندان را با قدرت ادامه دهید. صف شکوهمند اعتصاب سراسری شما پایان فقر و اختناق را مژده میدهد.

یاد عزیز یوسف اعتماد را گرامی میداریم
پرچم اعتصاب سراسری را باشکوه تر برپا میداریم
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی

۵ فروردین ۸۳

(۲۴-۳-۲۰۰۴)

کمک مالی به کمیته کردستان

بهرام سروش

۴۵۰ پوند انگلیس

جواد اصلانی

۳۰۰ پوند انگلیس

پیام به معلمان سندج! در گرامیداشت یوسف اعتماد سندجی



مظفر محمدی

روز (۴ فروردین) معلمی در سندج به نام یوسف اعتماد سندجی خودکشی کرد. به گفته همکارانش این معلم مبارز علاوه بر مشکلات کمر شکن ناشی از فقر و کم درآمدی، در هفته های اخیر تحت فشار و تهدید اداره حراست آموزش و پرورش نیز قرار گرفته است. جان باختن این معلم شریف و مبارز را به خانواده او، به همه معلمان سندج و مردم آزادیخواه تسلیت میگویم.

خودکشی انسان شریفی که ۳۵ سال عمر عزیزش را وقف آموزش فرزندان مردم کرده است جنایتی عظیم و مهتری ننگین بر پیشانی رژیمی است که علاوه بر چند دهه خفقان، سفره مردم را خالی و میلیونها انسان را گرسنه و زیر خط فقر نگه داشته است. آنهم در کشوری که به قول غربیها روی طلای سیاه خوابیده و جزو ثروتمندترین کشورهای منطقه است. کشوری که هر هفته و ماه کرور کرور خرج نیروهای نظامی و پلیسی و گله های حزب الله و باند سیاهی و منکرات و بارگاه و آخور آخوندهای مفتخور میشود، کشوری که جانورانی چون رفسنجانی و رفیق دوست و

آغازده هایشان و صاحبان بنیادهای رنگارنگ میلیارد پول پارو میکنند... بلی، در چنین کشوری است که پرداخت دستمزد ناچیز کارگر را ماهها به تعویق میاندازند، حقوق معلم در حد بخور و نمیر هم نیست و حال و روز بقیه مردم و میلیونها بیکار و بی مسکن دیگر روشن است. ننگ بر این حیواناتی که به نام امام و ولایت و آیت الله و حجت الاسلام و وزیر و وکیل و قضات عالیرتبه و پاسدار و حکومت خدا... خون مردم را در شیشه کرده و حتی حقخواهی کارگر را در خاتون آباد به گلوله میبندند. دیوصفتانی که ماهها به عدالتخواهی معلمان بی اعتنائی کرده و جواب نمیدهند و کار را به جایی میرسانند که معلمی شریف در روزهای جشن سال نو و در برابر چشمان آرزومند فرزندان که انتظار لباس نو و غذای کافی میکشند، از فرط فقر و تحت فشار پلیسی و حراست رژیم دست به خودکشی بزند. شرمندان باد شما ددصفتانی که ننگ جامعه بشری هستید!

معلمان شریف سندج، کردستان، همه معلمان ایران!

مسیر ناکامی قوم پرستان به بلوچستان رسید!



عبدالله شریفی
abe_sharifi@yahoo.com

نکنید اگر از این بعد قبل از شنیدن و اطلاع از تاسیس حزب و سازمانی هر چند کهنه مرتجع و آخوند و ملا و کدخدا، مثل قارچ سبز شوند و به اسم مردم فلان نقطه جغرافیایی اطلاعیه صادر کنند. و باز تعجب آور نیست که "حزب مردم بلوچستان" که معلوم نیست چه وقت و توسط چه کسانی راه اندازی شده، و اینکه آیا ممکن است فقط موجودیتی فعلا کاغذی داشته باشند، به صرف تداعی شدن با یک "قوم" در آغوش باز سازمان زحمتکشان جای میگیرد، چرا که در این توهم پوچ اند که به این ترتیب بزم ارتجاعی فدرالیسم قومی شان را پر رونق میکنند. راستش مضمون نوشته "حزب بلوچ" و جواب سازمان زحمتکشان، چیز عجیبی را در بر ندارد، که کسی منتظر باشد تا نقد شود. اما سوال این

است چه شرایطی مسئولین باند زحمتکشان را به این خیمه شب بازی واداشته است؟ این اتفاقات کجای نقشه رویای تدارک سناریوی سیاه قرار دارد؟ اینجا سعی میشود، کوتاه به چند فاکتور در جواب به این پرسشها بپردازیم.

جناب صلاح مهددی و اخوی هنوز از جواب رد حزب دمکرات راجع به جبهه (به ره) کردستانی منگ هستند. در متن چنین و اوضاع و احوالی است که رهبری باند زحمتکشان بازهم به "مهین صادقی" خود میسپارد که در توجیه شکست و افتضاح رفت و آمد بیهوده به درگاه حزب دمکرات در مورد تشکیل جبهه کردستانی زمینه سازی کند و دلیل حاشیه ای و پرت بودن سازمان زحمتکشان و برهم خوردن رویاهای "کاک صلاح" برای قالب کردن سازمان هواداران "مام جلال" بعنوان یکی از دو نیروی "اصلی"، "کردستان شرقی" را به پای حزب دمکرات بنویسد. هنوز خماری اینکه امیدشان برای بدیل سازی در مقابل حزب دمکرات، از سرشان نپزیده است،

که ماجرای هیاهوی "پیروزی" فدرالیسم در عراق را در دستور کارشان قرار دادند. از زعم فرمان جنجال و قبیل و قال بر سر تصویب قانون اساسی موقت اسلامی قومی آمریکایی عراق را دریافت کردند. در این زمینه هم تنها ماندند. مردم شهر سلیمانیه واقعی به این ترفند نگذاشتند. بساط هه لپه رکی و دهول و زرنا پیا نکردند، تازه فدرالیسم و فدرالیست چی در خیابانهای شهر سلیمانیه موضوع سرگرمی و اسباب جوک و تمسخره جوانان سلیمانیه شده است. اینها همدم با محسن رضایی مبارزات مردم شهرهای کردستان ایران را رقص و پایکوبی برای "خودمختاری کردستان عراق" خواندند. تا توانستند خرافات قوم پرستانه پخش کردند. بوی گند این عفونت را همه جا مشام مردم متمدن را میازارد. به این بهانه طومار نویسی کردند، حتی از نوشتن اسامی دختر و پسر ۱۵ و ۱۶ ساله خود نیز نگذشتند. انگار میتوانند با الصاق نام کودکان خود بعنوان مایملک

خانواده، لیست فدائیان "برده قارامان" را طولانی کنند. برایشان مهم نیست که اسامی جعل و یا هر اسم در چند جا نوشته شده باشد، مهم نیست اسم نوجوانی که باید در عالم خود از هر گونه اعمالا تزریق سیاست مصون باشد، پای هر لیستی برده شود. مجاز است چون خون کردی در بدن نوجوان "کرد" جاری است! چه فرق میکند چند سال دارد؟! چرا باید دنبال فرهنگ متمدن غرب رفت؟! کی میدانند کی چند سالش است؟! بالاخره کوفی عنان به شماره طومار نگاه میکنند. مسخره است همه میدانند که برزخ جاری عراق چه سهمی به مردم محروم این جامعه رسانده است که میخواهند کپی آنرا در ایران بازی کنند.

واقعیت این است که مردم کردستان ایران همگام با مردم سراسر ایران مدتها است که برای رهایی از شر حاکمیت اسلامی پا بمیدان گذاشته اند. شکست دوم خرداد و توهامات

◀◀ صفحه ۵

اطلاعیه

طول موج جدید رادیو انترناسیونال ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

برنامه های رادیو انترناسیونال از روز دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۸۳ (۲۹ مارس ۲۰۰۴) ساعت ۹ شب به وقت تهران، روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز، پخش میشود.

لطفا طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع عموم برسانید و کیفیت صدای رادیو را در این طول موج به ما اطلاع دهید.

تلفنهای تماس:

۰۰۴۶ ۷۰۷ ۶۵ ۶۳ ۶۲ و ۰۰۴۴ ۷۷۱ ۶۶۱ ۱۰۹۹

پیامگیر: ۰۰۴۶ ۸ ۶۵۹ ۰۷ ۵۵

ای. میل: radio7520@yahoo.com

مدیر رادیو انترناسیونال

سیاوش دانشور

۱۰ فروردین ۱۳۸۳

سایت کمیته کردستان، سایت ایسکرا راه اندازی شده و در دسترس است.

در این سایت مراجعه کنندگان میتوانند به آخرین شماره های نشریه کمیته کردستان حزب، اطلاعیه ها و مطالب و مقالات و مصاحبه با کادرهای کمیته کردستان دسترسی داشته باشند و مستقیما به دیگر صفحات و سایتهای حزب و نیز لینکهای دیگر وصل شوند.

به سایت کمیته کردستان مراجعه کنید
آدرس اینترنتی سایت کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری، سایت ایسکرا چنین است:

<http://www.iskraa.com>

سایت ایسکرا با مسئولیت یوسف رسولی
اداره و آپ دیت میشود.